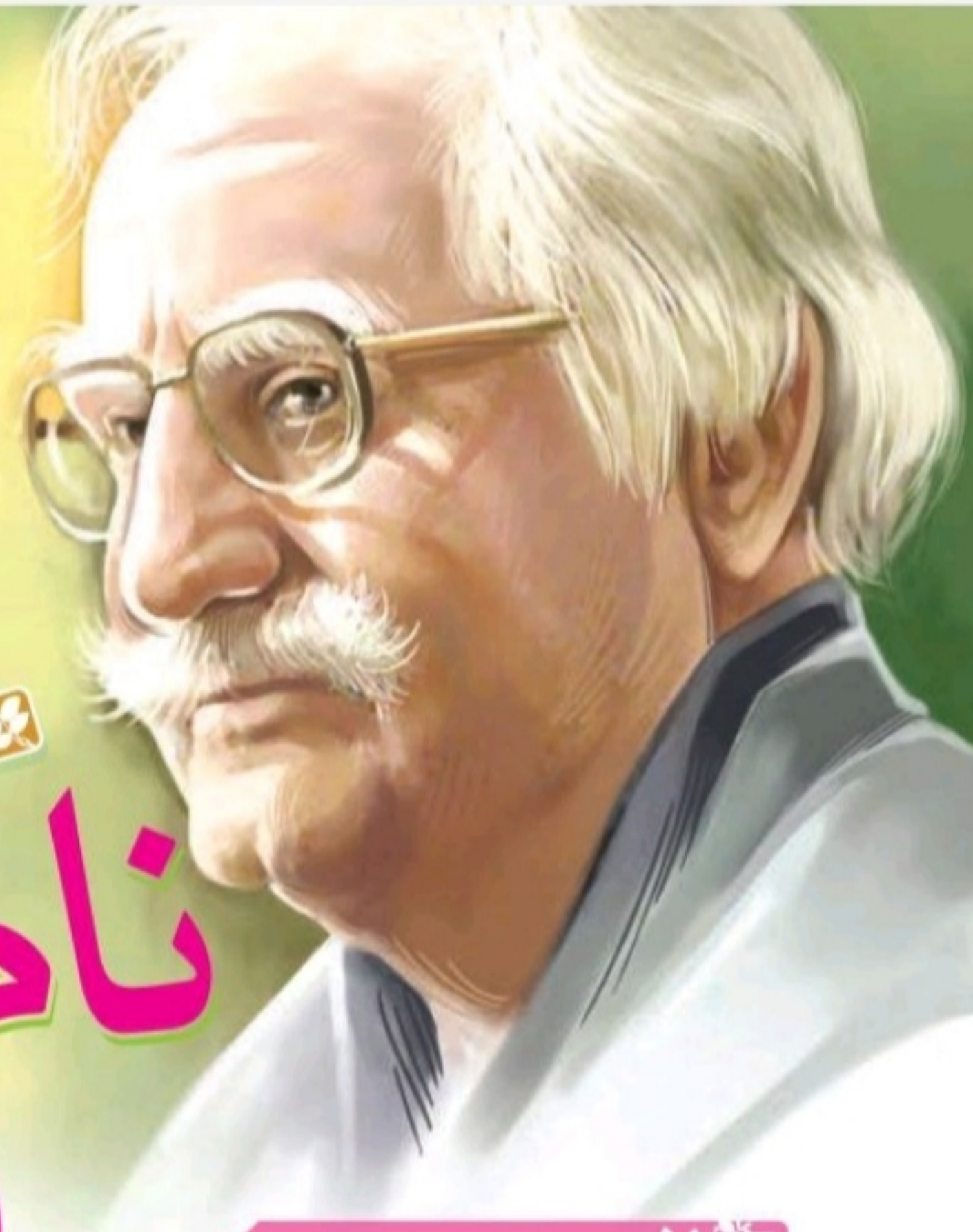




نام نیکو

درس دهم

املا و واژه آموزی

۱ با توجه به متن درس، جاهای خالی را پر کنید.

استاد با نگاه‌های **تجسین امیز** ... ، هنرمندی او را می‌دید و **تشیو یقش** می‌کرد، اما **مراقب** بود که **غرور** به جان شاگردش نیفتد. سال‌ها بعد محمود فرشچیان، استادی هنرمند و **نام‌اشنا** در نقاشی شد و ... **کارهای او** شهرت جهانی یافتند.

۲ متن درس را با دقت بخوانید و واژه‌هایی را که از دو کلمه یا بیشتر تشکیل شده است، بنویسید.

هیچ چیز - جست و جو گر - گفت و گو - خیال انگیز - زاینده رود - گل دسته - پر کار - کم حرف - جلال الدین

سپیده دم - نام‌اشنا - نیک نامی - نیم رخ - سرمشق - قلم مو - دلنشین - خوشحالی - تجسین امیز - زورنگار

.....چیزی که با هیجان همراه است.....	یعنی	هیجان انگیز.....	هیجان + انگیز
.....چیزی که تفکر را بر می انگیزد.....	یعنی	تفکر آمیز.....	تفکر + آمیز
.....چیزی که با غم همراه است.....	یعنی	غم انگیز.....	غم + انگیز
.....چیزی که با مهر و محبت همراه است.....	یعنی	محبت آمیز.....	محبت + آمیز
.....چیزی که خیال و اندیشه را بر می انگیزد.....	یعنی	خیال انگیز.....	خیال + انگیز

درک متن

الف) متن زیر را با دقت بخوانید.

روزی روزگاری مردی زندگی می کرد که دروغگو بود. او هر جا می رفت دروغ می گفت. همیشه دوستان و نزدیکانش به او می گفتند که دست از این کار ناپسند بردارد؛ ولی او در جواب می گفت: «کی گفته که من دروغ می گویم؟ من راستگوترین آدم دنیا هستم!» روزی در یک مهمانی که مرد دروغگو هم مهمان بود، چند دوست کنار هم نشسته بودند و از هر دری می گفتند و می شنیدند. یکی از آن میان گفت: «چند روز است که در بازار شهر زعفران زیاد و ارزان شده. هرکس زعفران نیاز دارد، بهترین وقت خرید آن است!» مرد دروغگو ناگهان گفت: «در بازار که زعفران نیست. یک مثقال هم پیدا نمی شود!» مرد زعفران فروش گفت: «مگر می شود؟ کار من زعفران فروشی است.» مرد دروغگو با تمسخر گفت: «شاید آنچه تو می فروشی زردچوبه است، نه زعفران!» زعفران فروش با ناراحتی گفت: «می خواهی بگویی من دروغگویم، من دیگر اینجا نمی مانم.»

صاحب‌خانه، زعفران‌فروش را آرام کرد. یک دفعه شخصی از میان جمع گفت: «من که می‌گویم هیچ کس در این جمع دروغگو نیست. چون آدم دروغگو، ته کلاهش سوراخی دارد!» مرد دروغگو تا این حرف را شنید، کلاهش را از سر برداشت و مشغول نگاه کردن به آن شد. همه گرم نگاه کردن و خندیدن به او شدند. مرد دروغگو کلاه را بر سر گذاشت، در حالی که از خجالت رنگ به رو نداشت.

🌿 (ب) با توجه به متن، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

❶ چرا مرد دروغگو گفت در بازار زعفران نیست؟

..... زیرا او هر جا می‌رفت دروغ می‌گفت و کارش همین بود.

❷ چرا شخصی از میان جمع گفت که هیچ کس در این جمع دروغگو نیست، چون آدم دروغگو ته کلاهش سوراخ دارد؟

..... چون می‌خواست فرد دروغگو، خودش را نشان دهد و به دیگران ثابت کند که او دروغگو است.

❸ چرا مرد دروغگو به سرعت کلاه را از سر برداشت و مشغول نگاه کردن به آن شد؟

..... چون خودش می‌دانست دروغ می‌گوید و می‌ترسید همه بفهمند و می‌خواست ببیند کلاهش سوراخ است یا نه تا سوراخ کلاهش را پنهان کند.

❹ چرا در پایان، مرد دروغگو خجالت کشید؟

..... چون همه متوجه شدند که او دروغ‌گو است.

🌿 (پ) برای متنی که خواندید یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

..... مرد دروغ‌گو / عاقبت دروغ‌گویی



زندگی نامه‌ی یکی از شخصیت‌های زیر را بنویسید (یا هر شخصیتی که مورد نظر شماست).

فردوسی	پروین اعتصامی	محمود فرشچیان	مهدی آذریزدی	اسدالله شعبانی	مصطفی رحماندوست
--------	------------------	------------------	-----------------	-------------------	--------------------

موضوع: پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی بیست و پنجم اسفند ۱۳۸۵ در تبریز متولد شد. پدرش

از مردان بزرگ و نویسندگان مشهور اواخر دوره قاجار بود.

او در کودکی به همراه خانواده به تهران آمد و با مشروطه خواهان و چهره های فرهنگی نظیر دهخدا

و ملک الشعرای بهار آشنا شد و از آن ها علم اموخت. دیوان اشعار پروین حدود ۲۵۰۰ بیت است

شعرهایی او در قالب های مختلفی است؛ از جمله مثنوی، قطعه و

شهرت پروین اعتصامی به دلیل مناظره هایی است که سروده است. این مناظره ها شهرت جهانی

دارند و راه تازه ای در ادبیات گشوده اند

توجه:

در نوشتن زندگی نامه، جزئیات زیر، ذکر شود:

نام و شهرت محل زندگی و دوره‌ی تاریخی

تحصیلات آثار تأثیر و نقش او در ادبیات یا هنر